

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۸

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- **مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد به استرداد یا محاکمه در پرتو رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی بلژیک علیه سنگال**
دکتر محمدحسین رضانی قوام‌آبادی
۵
- **پیشینه و مبانی تشکیل پلیس قضایی در حقوق ایران**
دکتر حسنعلی مؤذن‌زادگان - محمد فرجی
۳۹
- **مطالعه فرایند صدور و اعتراض به قرار بازداشت موقت در ایران با تأکید بر نظام حقوقی فرانسه**
دکتر غلامحسین کوشکی
۶۳
- **تروریسم یک نشانه روانی - اجتماعی یا یک ابزار سیاسی**
دکتر نسرين مهرا - دکتر نوروز کارگری
۸۵
- **رویه‌های ضد رقابتی جرم یا تخلف؟ (تبیین رویکردی نوین در سیستم کیفری ایران)**
دکتر سید حسین حسینی - زهرا احمدی
۱۰۹
- **همپوشی در رفتار بزه (بررسی موردی نشر اکاذیب رایانه‌ای و افترا از طریق رایانه)**
دکتر حسن عالی‌پور - الهام خراسانی
۱۳۱





http://jcl.ac.ir/article_48760.html

پیشینه و مبانی تشکیل پلیس قضایی در حقوق ایران

دکتر حسنعلی مؤذن‌زادگان* - محمد فرجی**

چکیده:

اهمیت چگونگی کشف جرم و تحقیقات پلیسی از یک سو به لزوم حفظ حقوق شهروندان و از سوی دیگر به لزوم عملکرد دقیق و سریع در این باره به منظور تأمین امنیت اجتماعی، باز می‌گردد. با وجود تقسیم‌بندی تخصصی نیروهای پلیس در برخی کشورها، در قانونگذاری ایران، این تقسیم‌بندی مورد نظر نبوده است. با این همه، مقررات قانون آیین دادرسی کیفری نو به ویژه ماده ۳۰ آن به معیارهای پلیس قضایی نزدیک شده است. آنچه از لزوم تشکیل پلیس قضایی مدنظر است، تحقق معیارهایی مشخص است که پلیس قضایی باید واجد آن باشد. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی تشکیل پلیس قضایی را پیش‌بینی کرده است. پیرو قانون پیش‌گفته، لایحه تشکیل پلیس قضایی توسط قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی ارائه شد اما این لایحه تنها به تشکیل پلیس قضایی به عنوان یک سازمان جداگانه تحت اشراف قوه قضائیه اشاره نموده و به معیارهای بایسته تشکیل این نهاد توجه نداشته است. معیارهای لازم برای تشکیل پلیس قضایی که لزوم کارآمدگی و توان تخصصی پلیس قضایی از طریق آموزش‌های مستمر و تحت اقتدار مقام قضایی بودن این نهاد است و از حیث سازمانی در قوه مجریه قرار می‌گیرد، در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها:

پلیس قضایی، پلیس اداری، کارت ویژه پلیس قضایی، سازمان پلیس قضایی، قوه مجریه.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسؤول
Email: moazenzadegan@gmail.com
** دانشجو دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
Email: mohammad.faraji.m.f@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل مهم در فرایند دادرسی کیفری، نقش پلیس قضایی در کشف جرم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم و شناسایی و یافتن مرتکب است. اهمیت این موضوع، از یک سو بر پایه ضرورت حفظ حریم خصوصی افراد و حقوق و آزادی‌های آنها و از سوی دیگر بر پایه ضرورت عملکرد هرچه بهتر این نهاد در فرایند رسیدگی کیفری، استوار شده است. افزون بر آن، از آنجایی که رسیدگی به جرم از جمله امور حساس اجتماعی است، هیچ تردیدی در این خصوص نیست که رسیدگی به این امر و جنبه‌های مختلف آن نیازمند کارآزمودگی است. بنابراین، کشف جرم و مسائل پیرامونی آن نیز از این قاعده مستثنا نیست. بدین جهت، کارآزمودگی نیروهایی که در این زمینه مسؤولیت دارند، دارای اهمیت بسزایی است تا به واسطه آن بتوانند با دقت و سرعت هرچه بیشتر، عملکرد بهتری داشته باشند.

موضوع پلیس قضایی در نظام‌های عدالت کیفری کشورهای پیشرو مانند فرانسه و بلژیک مورد پذیرش واقع شده است، اما در کشورمان این موضوع به وجود اینکه در گذشته دارای سابقه بوده، تاکنون به فراموشی سپرده شده بود. با این همه، به تازگی در رابطه با این موضوع لایحه‌ای در مجلس مطرح شده که تاکنون به سرانجام نرسیده است. افزون بر آن، مقررات قانون آیین دادرسی کیفری نو (زین پس: ق.آ.د.ک) در این رابطه درخور توجه است. آنچه که در تمامی این موارد باید به دقت به آن نگریسته شود معیارهایی است که با تحقق آنها می‌توان گفت پلیس قضایی موجودیت یافته است. در این راستا، نکته اساسی این است که بدون توجه به تعریف پلیس قضایی، تأکید بی‌جهت بر تأسیس سازمانی ویژه آن هم تحت نظارت و اشراف قوه قضائیه، به تنهایی نخواهد توانست مقصود ما را از برپایی پلیس قضایی تأمین کند. از این رو، باید به تعریفی مناسب از پلیس قضایی رسید و سپس بر مبنای آن به این تحلیل رسید که آیا منظور از تشکیل پلیس قضایی، ایجاد سازمانی جداگانه و لزوماً در داخل مجموعه قوه قضائیه است؟ یا اینکه خواست بنیادین از برپایی چنین نهاد یا سازمانی با نام پلیس قضایی چیز دیگری است؟ از این رو، باید تعریف پلیس قضایی و معیارهای آن درنگریسته شود تا به واسطه ارزیابی آنها، بتوان در خصوص پرسش‌های پیش‌گفته به دیدگاهی منطقی رسید.

این نوشتار با واکاوی مفهوم پلیس قضایی در کنار اشاره به پیشینه آن در ایران (گفتار نخست) ضرورت‌ها و مبانی تشکیل آن را بررسی نموده و با اشاره به مقررات تازه به تصویب رسیده، با مرور معیارهای تشکیل پلیس قضایی، وضعیت کنونی آن (گفتار دوم) را روشن

می‌نماید.

۱- مفهوم و پیشینه تشکیل پلیس قضایی

۱-۱- مفهوم

واژه پلیس و ضابط در فرهنگ‌های واژگان فارسی به معنی فراهم‌آورنده و نگاه‌دارنده آمده است. همچنین، واژگان بایگان، پاسبان، آژان، شرطه، محتسب، شهریان، شهربانی، نظمیه، پلیس، افسر، صاحب‌منصب، مأمور و متصدی به عنوان برابر آن آمده‌اند.^۱ وانگهی، در فرهنگ‌های واژگان نافرسی به معنی مجموعه اقدامات تضمین‌کننده نظم عمومی، مأموران مسؤول نظارت بر این اقدامات، مجموعه نیروهای حافظ نظم^۲ و همچنین به معنی نیروهای مسؤول پیشگیری، کشف جرم، حفظ نظم عمومی و سازمان مجری مقررات در یک زمینه خاص آمده است.^۳ روی‌هم‌رفته، ضابط یا پلیس در معنای گسترده شامل مجموعه اقداماتی است که به وسیله مقامات عمومی به شهروندان تحمیل شده است و در معنای محدود، ضابط یا پلیس شامل عملیاتی است که هدف آن تأمین آرامش، امنیت و سلامت عمومی به وسیله بعضی اقدامات مناسب است.^۴

به طور کلی، هر جامعه برای تأمین آسایش و امنیت خود، نیازمند نهادی است؛ نهادی که وظیفه تأمین نظم، امنیت و آسایش را برعهده گیرد، چنین نهادی ضابط یا پلیس نام دارد. در این راستا، تأمین نظم و امنیت در جامعه، خود، دارای جنبه‌های گوناگونی است. بر این اساس، با تقسیم‌بندی نیروهای پلیس، هریک جنبه‌ای از آن را بر دوش خواهند گرفت. در نتیجه، اگر یک جنبه از نظم و امنیت جامعه ناظر به حفظ نظم عمومی باشد، بخشی از نیروهای پلیس آن را انجام خواهند داد و اگر جنبه دیگر آن، بی‌نظمی در سطحی شدیدتر یعنی ارتکاب جرم باشد، بخش دیگر نیروهای پلیس آن را به انجام خواهند رساند. این نوشتار در پی واکاوی گونه پسین است.

درباره تعریف پلیس قضایی، اندیشمندان حقوق کیفری تعاریفی را ارائه نموده‌اند که با

۱. «واژه‌یاب»، شبکه مترجمین ایران، ۲۹ آبان ۱۳۹۴، <http://www.vajehyab.com>.

۲. Le Petit Larousse dictionnaire.

۳. Oxford dictionary.

۴. گاستون استفانی، ژرژ لوسور و برنار بولوک، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان (تهران: انتشارات علامه طباطبائی، ۱۳۷۷)، ۴۹۲.

اشاره به آنها، تلاش می‌شود در پایان تعریف مناسب و کاملی ارائه شود.

برخی پلیس قضایی را اینگونه تعریف نموده‌اند:

«مأمورانی که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی برای کشف جرم، بازجویی مقدماتی از متهم و نیز جلوگیری از فرار یا پنهان شدن او و سرانجام، حفظ آثار و دلایل جرم و ابلاغ و اجرای تصمیمات قضایی طبق ضوابط قانونی، اقدام می‌کنند».^۵

کم‌وبیش تعاریف دیگر اندیشمندان حقوق کیفری ایران نزدیک به همین تعریف است.^۶ اما برخی آن را در دو مفهوم به کار برده‌اند:

«واژه پلیس قضایی در دو معنا به کار می‌رود. نخست؛ به معنی مجموعه اقداماتی است که شامل کشف جرایم مدون قانون کیفری، جمع‌آوری ادله و جست‌وجوی مرتکب تا پیش از شروع تحقیقات می‌شود.^۸ دوم؛ پلیس قضایی یا ضابط دادگستری دربرگیرنده نیروهایی است که تمام اقدامات تحقیقی پیش از آغاز تعقیب را پوشش می‌دهد. بنابراین، در مفهوم دوم به معنی مجموعه مأمورانی است که مسؤؤل اجرای اعمال پیش‌گفته می‌باشند».^۹

می‌توان گفت مفهوم نخست پلیس قضایی بر مجموعه اقدامات تحقیقی پای می‌فشارد، گویی نیروهایی که این اقدامات را انجام می‌دهند، پلیس قضایی به شمار خواهند رفت؛ از این رو، اینکه نیروهای پلیس در چه نهاد یا سازمانی باشند اهمیّت ندارد، بلکه مهم این است که اقدامات مورد اشاره به انجام رسد. اگرچه این نکته که پلیس قضایی زیر نظر چه قوه‌ای باشد در تحقق یا عدم تحقق مفهوم آن بی‌تأثیر است، دارای آثاری است که بدان اشاره خواهد شد. مفهوم دوم نیز گویی بر تشکیل نهاد یا سازمانی ویژه که دربرگیرنده نیروهایی است که به طور تخصصی به اقدامات تحقیقی مربوط به جرم می‌پردازند، دلالت دارد.

روی‌هم‌رفته، آنچه از پلیس قضایی مورد نظر است، نیروهایی هستند که وظیفه آنها معطوف به مقطع پس از ارتکاب جرم است؛ به این معنا که این نیروها کارشان متمرکز بر

۵. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، ۱۳۶.

۶. نک: محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری (تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۹)، ۳۱.

۷. نک: علی خالقی، آیین دادرسی کیفری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲)، ۵۰.

8. Art. 14, code procédure pénale.

9. Jean Pradel, *procédure pénale* (Paris: éditions cujas, 2008), 151.

کشف جرم، شناسایی و جست‌وجوی مرتکب جرم و جمع‌آوری ادله و قرائن آن خواهد بود. از این رو، می‌توان گفت: پلیس قضایی نیرویی است کارآزموده که تحت اقتدار و نظارت قضایی، پس از ارتکاب جرم، مداخله می‌کند و وظیفه آن در برگیرنده موارد زیر است:

- کشف جرم؛
- جست‌وجو و شناسایی مرتکب، جلوگیری از فرار و مخفی شدن او و انجام بازجویی مقدماتی؛
- جمع‌آوری آثار، ادله و قرائن جرم و حفظ آنها؛
- انجام عمل تحقیقی^{۱۰} به واسطه نیابت قضایی اعطاء شده از سوی مقام قضایی.

بنابراین در تکمیل تعاریف پیشین، می‌توان به این معیارها نیز پای فشرد: نخست؛ با توجه به تخصصی بودن امر کشف جرم و مسائل آن، کارآزمودگی و آشنایی با مسائل مربوط به جرم، امری اساسی به شمار می‌آید. دوم؛ با توجه به اینکه نیروهای پلیس قضایی بازوان مقام‌های قضایی هستند، این مقام‌ها می‌بایست بر آنها اقتدار داشته باشند به گونه‌ای که امکان دادن و برگرفتن صلاحیت اقدام به عنوان نیروهای پلیس قضایی در اختیار آنها باشد؛ این امر در راستای نظارت بر آنها جهت تأمین هرچه بهتر حقوق شهروندان است. در نتیجه، افزون بر عملکرد مربوط، کارآزمودگی و تحت اقتدار قضایی بودن از جمله معیارهای اصلی بازساخت پلیس قضایی است.

نکته ظریفی در رابطه با مفهوم پلیس قضایی وجود دارد که باید مورد اشاره قرار بگیرد. در این راستا، می‌توان از یک سو بر کارکرد قضایی و انجام عملکردهای مربوط - انجام عمل پلیس قضایی دربرگیرنده کشف جرم و غیره پیش از شروع تحقیقات مقدماتی و انجام عمل تحقیقی به واسطه نیابت اعطایی مقام قضایی - پای فشرد و از سوی دیگر بر نیروهایی که به گونه‌ای ویژه و تخصصی در یک سازمان مشخص چنین کارکردی دارند. در جنبه نخست، هر بخشی از نیروهای پلیس که این امور را انجام دهد، پلیس قضایی انگاشته خواهند شد، خواه

۱۰. در اینجا باید بین عمل تحقیقی و عمل پلیس قضایی قائل به تفکیک شد. زمانی که تحقیقات آغاز می‌شود، پلیس قضایی به عنوان بازوان یاری‌دهنده مقام قضایی، ممکن است از سوی آنها برای انجام تحقیقات، نیابت قضایی داشته باشند؛ در این صورت به اقدامات پلیس قضایی عمل تحقیقی گفته می‌شود. اما به اقداماتی که پیش از آغاز تحقیقات صورت می‌گیرد، عمل پلیس قضایی گفته می‌شود؛ در واقع، این اقدامات همان وظایف مقرر در مقطع پس از ارتکاب جرم و پیش از آغاز تحقیقات است. در:

Jean Pradel, *procédure pénale* (Paris: éditions cujas, 2008), 153.

این نیروها در نهادی جداگانه به عنوان پلیس قضایی باشند یا نباشند. در این راستا، نیروها با انجام آن کارکردها، پلیس قضایی به شمار خواهند رفت. در این مفهوم، تشکیل نهادی جداگانه زیر نام پلیس قضایی، اهمیت ندارد بلکه انجام کارکردهایی معین مورد نظر است. اما در معنای دوم آنچه که از پلیس قضایی مورد نظر است، نیرویی است که در «نهاد یا سازمانی جداگانه» به گونه‌ای ویژه «تنها به کشف جرایم و سایر مسائل» آن می‌پردازد. از این رو، بخشی از نیروهای مجموعه پلیس بدون اینکه در نهادی جداگانه زیر نام پلیس قضایی باشند و افزون بر اینکه اموری نظیر حفظ نظم عمومی، پیشگیری از جرم و غیره را بر دوش می‌کشند؛ به کشف جرم، جست‌وجوی مرتکب و به سایر موارد مورد اشاره در تعریف پلیس قضایی نیز می‌پردازند، پلیس قضایی انگاشته نمی‌شوند. بدین‌سان، با توجه به این معنا می‌توان گفت نیروی انتظامی ایران با توجه به اینکه افزون بر کشف جرم و مسائل پیرامونی آن، طبق قانون نیروی انتظامی وظایف دیگری را نیز انجام می‌دهد که مربوط به مقطع پیش از ارتکاب جرم است، پلیس قضایی به شمار نمی‌رود، اما به لحاظ معنای نخست همین که بخشی از نیروهای آن، کارکردهای پیش‌گفته را انجام دهند، آن نیروها پلیس قضایی به شمار می‌روند. باری، به جهت تقسیم کار تخصصی به نظر می‌رسد تشکیل سازمان پلیس قضایی مناسب‌تر باشد.

در ارزیابی نهایی باید گفت آنچه از پلیس قضایی مورد نظر است نهادی است که معیارهای مورد اشاره در تعریف را داشته باشد؛ یعنی تشکیل نهاد یا سازمانی که به طور تخصصی و تحت اقتدار مقام قضایی امور مربوط را انجام دهد. بنابراین تشکیل و یا بنیان نهادن پلیس قضایی در قوه قضائیه آنچنان که در لایحه تشکیل پلیس قضایی مورد نظر است، نه تنها ملاک تشکیل پلیس قضایی نیست، دارای اشکال هم هست. در تقویت این استدلال می‌توان به وضع پلیس قضایی در برخی کشورهای پیشرو همانند فرانسه اشاره نمود که در آن پلیس قضایی به عنوان بخشی از نیروهای پلیس است که وظایف آن معطوف به انجام کارکردهای قضایی است بدون اینکه نهادی کاملاً جداگانه در قوه قضائیه و تحت اشراف آن باشد.^{۱۱}

در پایان این بحث، در راستای تبیین هرچه بهتر مفهوم پلیس قضایی، مناسب است

11. Gwladys Gilliéron, *Public Prosecutors in the United States and Europe* (Switzerland: Springer, 2013), 291.
12. Eric Mathias, *Procédure pénale* (Paris: Bréal édition, 2007), 38.

مفهوم پلیس اداری (مربوط به مقطع پیش از ارتکاب جرم) از مفهوم پلیس قضایی (مربوط به مقطع پس از ارتکاب جرم) جدا شود. در این راستا، وظیفه پلیس اداری متمرکز بر پیشگیری از بی‌نظمی و نقض مقررات است و با اهمیت روزافزون پیشگیری، نقش این پلیس نیز در این زمینه افزایش یافته است. اما اگر وظیفه پیش‌گفته به نحو مناسب و کامل صورت نگیرد و در پی آن مقررات نقض گردد، در این صورت، اگر نقض مقررات به معنای نقض مقررات مدون قانون کیفری باشد، پلیس قضایی نقش جست‌وجوی مرتکبان و جمع‌آوری ادله را برعهده خواهد داشت.^{۱۳}

جداسازی پلیس اداری و قضایی را می‌توان با اشاره به موارد زیر به گونه روشن‌تری بیان نمود:

«الف. در حالی که صلاحیت پلیس اداری، ناظر به رسیدگی اداری است، صلاحیت پلیس قضایی، ناظر به امور قضایی است؛

ب. در حالی که پلیس اداری تحت نظارت اداری است، پلیس قضایی تحت نظارت قضایی است؛^{۱۴}

پ. در حالی که وظیفه پلیس اداری ناظر به پیشگیری از نقض و تعرض به قانون است، وظیفه پلیس قضایی تنها ناظر به مداخله پس از نقض قانون است؛

ث. در حالی که پلیس اداری کارکردی پیشگیرانه دارد، پلیس قضایی کارکردی سرکوبگرانه دارد؛

ج. معیار اصلی تفکیک، ارتکاب جرم است. اگر جرمی ارتکاب نیافته باشد، موضوعی ارتباطی به پلیس قضایی ندارد. اگر جرمی رخ داده باشد، موضوع ارتباطی به پلیس اداری ندارد. از این رو، تفکیک بین این دو گونه، نهادی^{۱۵} یا ارگانیک نیست، بلکه غایی^{۱۶} است؛^{۱۷} ج. در موضوع کنترل هویت افراد هر دو می‌توانند مداخله داشته باشد. اگر این امر مربوط

۱۳. گاستون استفانی، ژرژ لواسور و برنار بولوک، پیشین، ۴۳۱ و ۴۳۲.

14. Gert Vermeulen, *Availability of Law Enforcement Information in the European Union* (Belgium: Maklu publishers, 2005), 96.

15. Organique.

16. Téléologique.

۱۷. یعنی مبانی تفکیک، کارکرد آنهاست. بنابراین جایی که ناظر به حفظ نظم عمومی و یا پیشگیری است، موضوع مربوط به پلیس اداری خواهد بود و جایی که موضوع جرم در میان باشد، مربوط به پلیس قضایی خواهد بود. بنابراین تشکیل نهادی جداگانه در مجموعه قوه قضائیه هیچ جایگاهی در تحقق مفهوم پلیس قضایی و تفکیک آن از پلیس اداری ندارد.

به حفظ نظم باشد، مربوط به پلیس اداری است. اگر ناظر به جست‌وجوی مرتکب یک جرم باشد، مربوط به پلیس قضایی خواهد بود»^{۱۸}.

گفتنی است می‌توان پلیس اداری را به دو گونه متفاوت تقسیم‌بندی نمود. بر این اساس، یک گونه عهده‌دار نظم عمومی و گونه دیگر نظر به اهمیت پیشگیری، عهده‌دار پیشگیری از جرم خواهد بود. برای عملکرد هرچه بهتر در مقطع پیش از ارتکاب جرم، بهتر است این تقسیم کار صورت گیرد تا نیروهای کارآموده در این زمینه، هریک، در قلمرو مربوط به خود فعالیت کنند.

۱-۲- پیشینه

چه بسا برجسته‌ترین کار صورت‌گرفته مربوط به دوران پس از انقلاب باشد. به راستی، با ابتکار شهید بهشتی و تلاش‌های ایشان، لایحه‌ای قانونی در سال ۱۳۵۹ به تصویب رسید. از تاریخ پیش‌گفته تا سال ۱۳۶۹ یعنی زمان تصویب قانون مربوط به نیروی انتظامی، رسیدگی به تحقیقات ابتدایی جرایم و مسائل پیرامونی آن سازمان‌دهی شد. اما پس از تشکیل نیروی انتظامی و آغاز به کار آن، انجام عمل تحقیقی پیرامون جرم به عهده نیروی انتظامی قرار گرفت و این برخلاف گذشته، بدون تفکیک وظایف از حیث تخصص بود.

به طور کلی، از حیث پیشینه قانونی می‌توان قوانین زیر را مورد اشاره قرار داد:

الف. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۱/۵/۳۰؛

ب. لایحه قانونی تشکیل پلیس قضایی مصوب ۱۳۵۹/۴/۵ و قانون راجع به اصلاح لایحه قانونی پلیس قضایی مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴؛

پ. قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶؛

ت. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸؛

ث. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵؛

ج. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴؛

در ق.آ.د.ک ۱۲۹۱ در ماده ۱۹ ضمن به کار بردن واژگان ضابطان عدلیه، مقام‌های قضایی (دادستان و بازپرس) نیز جزء ضابطان قلمداد می‌شدند. مستنطق و مدعی‌العموم بنابر ماده مورد اشاره ضابط محسوب می‌شدند. این دو مقام در برابر کمیسرهای پلیس به عنوان ضابطان غیرقضایی، ضابط قضایی به شمار می‌رفتند، زیرا حوزه فعالیت مربوط، تنها ناظر به

جرم بود. اما این تقسیم‌بندی به جهت لزوم تقسیم کار و اهمیت نقش مقام قضایی در ارتباط با ایفای وظایف محوله منتفی شد؛ چنانکه در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ دادستان و بازپرس از شمار ضابطان خارج شده‌اند.

در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۵ لایحه قانونی تشکیل پلیس قضایی به تصویب شورای انقلاب و اصلاحیه آن نیز در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بر این اساس، پلیس قضایی از طریق وزارت کشور در اختیار قوه قضائیه قرار می‌گرفت. پیرو این قانون دوره‌های آموزشی قضایی پیش‌بینی شد و افسران پلیس قضایی با وقوع جرم، مطابق مقررات ق.آ.د.ک وقت، تحقیقات مقدماتی را آغاز می‌کردند. در این راستا، سایر نیروهای انتظامی حق مداخله نداشتند، مگر اینکه از آنها استمداد می‌شد و یا اینکه تا پیش از ورود مأمورین پلیس قضایی، اقدامات لازم را برای حفظ صحنه جرم و یا جلوگیری از فرار متهم انجام می‌دادند.

با تصویب قانون نیروی انتظامی در سال ۱۳۶۹ نیروهای گوناگون ادغام شدند و از این پس، نیروی انتظامی به عنوان اصلی‌ترین ضابط دادگستری، گماشته شد. در ادامه، در ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ نیز تفکیک دقیقی بین ضابط قضایی و غیرقضایی در نظر گرفته نشده بود. در این قانون، نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام در کنار سایر ضابطان (خاص) لحاظ شده و با توجه به قانون نیروی انتظامی کشف جرم و مسائل پیرامونی آن تنها بخشی از وظایف این نیرو است؛ به این معنا که بخشی از وظایف آنها مربوط به پلیس اداری است. بنابراین، در این قانون نیز تفکیک دقیقی بین پلیس قضایی و غیر آن به چشم نمی‌خورد و معیارهای مورد نظر محقق نشده است.

سرانجام قانونگذار در سال ۱۳۸۹ به طور آشکار در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه قوه قضائیه را مکلف نمود که برای ایجاد پلیس قضایی لایحه تهیه نموده و آن را از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند که البته تاکنون این لایحه به سرانجام نرسیده است.

در نهایت، در قانون نو آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقرر شد که به نوعی بیانگر تفکیک بین نیروهایی است که به عنوان ضابط یا پلیس قضایی عمل می‌کنند. ماده ۳۰ ق.آ.د.ک مقرر داشته: «حراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از سوی

اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است».^{۱۹} بی‌گمان این مقررہ گامی به پیش است، اما شاید این به تنهایی به معنای تشکیل پلیس قضایی نباشد، زیرا این ماده تنها ضابطان را مکلف به آموزش کرده است. البته با توجه به تصویب آیین‌نامه این ماده، نکته‌های درخور توجهی وجود دارد که توضیح آن داده خواهد شد به گونه‌ای که به نظر می‌رسد معیارهای مورد نظر در تعریف ارائه‌شده تا حدود زیادی تأمین شده باشد.

۲- مبانی تشکیل پلیس قضایی

۲-۱- ضرورت تفکیک پلیس قضایی از اداری

واکنش در برابر جرم به عنوان مسئله‌ای پیچیده، از یک سو دارای جنبه‌های فنی و از سوی دیگر دارای جنبه‌های ارزشی است. جنبه فنی آن شامل کشف، تحقیقات پلیسی، تعقیب، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای مجازات است. افزون بر این، باید پیشگیری از وقوع جرم را نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد مسئله جرم در نظر گرفت. آنچه بدیهی است، نیازمندی هریک از این موارد به ضوابط خاص مربوط به خود است که نیازمند انجام و اجرا توسط نیرویی کارآموده و آموزش‌دیده است. بُعد ارزشی جرم ناظر است به حفظ حقوق متهم از یک سو و حفظ حقوق جامعه از سوی دیگر.

از جهت بعد فنی، همان‌طور که تمام مراحل مربوط به رسیدگی به جرم دارای ضوابط ویژه خود است و توسط یک نیروی مشخص و آموزش‌دیده، انجام می‌گیرد؛ مرحله کشف و نیز تحقیقات پلیسی از این قاعده مستثنا نیست. در این راستا، مرحله کشف جرم و همچنین تحقیقات پلیسی نیز مشمول قاعده خواهد بود و هیچ دلیلی وجود ندارد که پایبند به آن نباشد. بنابراین با توجه به پیچیدگی جرایم و بروز و ظهور انواع گوناگون آن به طور پیوسته، باید یک نیروی معین و متخصص برای کشف جرم، جست‌وجوی مرتکب و جمع‌آوری ادله تشکیل شود.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با وجود تقسیم‌بندی تخصصی کنونی

۱۹. افزون بر آن، ماده ۳۳ ق.آ.د.ک مقرر داشته: «دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستورهای لازم را صادر می‌کند»؛ می‌توان گفت این مقررہ به گونه‌ای در جهت تأمین نظارت و اقتدار قضایی بر آنها و از این رو تأمین هر چه بهتر حقوق افراد است.

نیروهای مختلف نیروی انتظامی، چه نیازی به تشکیل پلیس قضایی است؟ اگر یکی از مبانی تشکیل پلیس قضایی تخصص‌گرایی در رسیدگی به جرایم باشد؛ از این جهت، تخصص‌گرایی در بخش‌های مختلف نیروی انتظامی - مانند رسیدگی به جرایم رایانه‌ای توسط پلیس فتا - پاس داشته شده است.

پاسخ این است که کارآزمودگی و تخصص‌گرایی در کشف جرم، جمع‌آوری ادله و ... تنها معیار هستی‌بخش پلیس قضایی نیست. از این رو، آنچه افزون بر عملکرد مبتنی بر تخصص اهمیت دارد، معیار تحت اقتدار قضایی بودن است. این بدین معنی است که قوه قضائیه به عنوان قوه‌ای که به طور خاص کشف جرایم و رسیدگی به آنها را برعهده دارد، بر این نیروها اقتدار مناسبی ندارد. به این ترتیب، قوه قضائیه در به کار گماشته شدن و یا سلب صلاحیت قضایی از آنها نقشی ندارد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که این قوه در انجام وظیفه ذاتی خود، باید ابزار آن را به نحو نیکو در اختیار داشته باشد. چنین وضعیتی منجر به نظارت هرچه بهتر بر آنها در راستای تأمین هرچه بهتر حقوق شهروندان خواهد شد. از آنجایی که برخی از این نیروها از جمله کارکنان وزارت اطلاعات هستند، تحت نظارت قوه قضائیه نیستند و در نتیجه امکان نظارت بر آنها کمتر است. افزون بر این، نهاد سپاه پاسداران هم بنا به وظایف ذاتی خود در جهت پاسداری از انقلاب اسلامی، از اقتداری ویژه برخوردار است که چه بسا امکان نظارت بر آن توسط قوه قضائیه فراهم نباشد. بنابراین، یکی از معیارهای اساسی، تشکیل نهاد یا سازمان پلیس قضایی ضمن انجام اقتدار قضایی بر نیروهایی آن در راستای نظارت مناسب‌تر و در نهایت تأمین هرچه بهتر حقوق و آزادی‌های شهروندان است. از جهت بعد ارزشی و لحاظ ضابطان به عنوان نیرویی مؤثر در تشکیل پرونده کیفری، ضروری است انجام وظایف به گونه‌ای صورت گیرد که منجر به نقض حقوق و آزادی‌های مشروع افراد نشود.^{۲۰} افزون بر رعایت حقوق شهروندان مظنون به ارتکاب جرم، حقوق جامعه نیز مطرح است. حق فرد مظنون و یا متهم ناظر به حق بر آزادی و حفظ حریم خصوصی است و حق جامعه ناظر به حفظ آرامش و امنیت است. در اینجا باید بر این نکته پای فشرده که هیچ تقابل و ناسازواری بین این دو حق وجود ندارد. بدین معنا که نمی‌توان به نام حفظ حقوق جامعه، حقوق شهروندان را نقض کرد. برای نمونه، نمی‌توان با استناد به ضرورت حفظ امنیت جامعه، برای کشف جرم، دست به هر عملی زد و در پی آن حقوق و آزادی‌های افراد را

20. Michel Franchimont, *Ann Jacobs and Adrien Masset Manuel de procédure pénale* (Bruxelles: éditions Larcier, 2008), 285.

نقض نمود. اموری همانند جست‌وجوی مرتکب و تحت نظر قرار دادن او، بازرسی و تفتیش منازل و ... اگر مبتنی بر قاعده، اعمال و اجرا نگردد، منجر به نقض حقوق شهروندان خواهد شد. قاعده در اینجا صیانت از حقوق مشروع افراد، آزادی و کرامت انسانی آنهاست. در جایی که احتمال تعرض به تمامیت جسمانی، معنوی و سایر حقوق افراد باشد، معیارهایی راهنمای رفتار خواهد بود که در نهایت منجر به حفظ کرامت انسانی افراد و رعایت حقوق آنها خواهد شد. از این رو، ضروری است این اقدامات از سوی نیروهای صورت گیرد که ضمن تمرکز کامل بر این اقدامات، آموزش مربوطه را دیده و درک درستی از مفاهیم پیش‌گفته داشته باشند؛ نه اینکه در مواجهه با مظنون و یا در حال دستگیری متهم، او را مجرم بخوانند و رفتاری با وی انجام دهند که حتی شایسته انجام نسبت به یک مجرم هم نیست و باعث تعدی به کرامت انسانی او می‌شود.

نکته دیگر بسیار مهم در تبیین مبانی تشکیل پلیس قضایی تفکیک بین تحت اقتدار اداری بودن^{۲۱} و تحت اقتدار قضایی بودن^{۲۲} است. در حالی که در مفهوم نخست مقامات قضایی نقشی در به کار گماشته شدن و یا سلب صلاحیت نیروهای پلیس قضایی ندارند، بر اساس مفهوم دوم، این مقامات قضایی هستند که با تأیید خود مجوز فعالیت به عنوان نیروهای پلیس قضایی را برای آن نیروها فراهم می‌کنند. در این راستا، حتی به تشخیص مقامات قضایی، امکان سلب صلاحیت از نیروهای پلیس قضایی وجود خواهد داشت، به طوری که دیگر نتوانند به عنوان پلیس قضایی اقدام کنند. در نتیجه یکی از معیارهای تشکیل پلیس قضایی به نیرومندسازی نظارت و کنترل قضایی باز می‌گردد. بدیهی است که اثر چنین امری در تضمین هرچه بهتر حقوق شهروندان خواهد بود.

۲-۲- الزامات قانونی

نخستین مبنا در این رابطه این است که مطابق اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه در راستای پاسداری از حقوق فردی و اجتماعی و همچنین تحقق عدالت، بنا بر بند ۴ این اصل، عهده‌دار کشف جرم و ... است. همچنین، در اصل یکصد و پنجاه و هشتم، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت‌های قوه قضائیه، از وظایف رئیس این قوه است. بدیهی است زمانی که چنین وظیفه‌ای بر عهده

21. Sous l'autorité administrative.

22. Sous l'autorité judiciaire.

قوه قضائیه نهاده شده است، می‌بایست ابزار لازم آن را نیز داشته باشد. در اینجا، پلیس قضایی ابزار ضروری برای کشف جرم تلقی می‌گردد که با تمرکز صرف بر موضوع کشف جرم و نیز با به کارگیری نیروهای کارآموده و آموزش دیده، در انجام هرچه بهتر وظیفه قوه قضائیه در امر کشف جرم ضمن پاسداری از حقوق فردی کارساز خواهد بود. در اینجا دوباره بر این نکته اساسی تأکید می‌شود که تحقق پلیس قضایی منوط به برپایی آن در قوه قضائیه و تحت اشراف آن نیست، بلکه با تأمین معیارهای مورد اشاره در تعریف محقق خواهد شد.

افزون بر آن، در فرازی از سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران بر حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی تأکید شده است. بدیهی است یکی از بایستگی‌های حفظ کرامت، حقوق و تأمین امنیت اجتماعی و قضایی مربوط به فرایند رسیدگی کیفری است. در این باره، حفظ حقوق مظنون و یا متهم به ارتکاب جرم یکی از قواعد مسلم پذیرفته شده در این فرایند است. از این رو، در رابطه با امور ناظر به کشف جرم، جست‌وجوی مرتکب، جمع‌آوری ادله جرم و ... احتمال نقض حقوق افراد وجود دارد؛ در نتیجه، در انجام امور پراهمیت پیش‌گفته می‌بایست نهایت دقت صورت گیرد تا کرامت و حقوق افراد دچار خدشه نگردد. بنابراین، با توجه به فراز مورد اشاره از سند چشم‌انداز، لزوم تشکیل نیروی آموزش دیده و آشنا به مسائل حقوق کیفری از جمله احترام و رعایت حقوق و کرامت انسانی افراد، توجیه می‌شود. در این راستا، ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه نیز قوه قضائیه را موظف به تهیه لوایح و اقدام در امور مختلفی نموده است که از جمله آنها اقدام در خصوص استقرار نظام قضایی سریع و دقیق، طراحی و استقرار مدیریت قضایی به منظور سرعت بخشیدن به عملیات و مدیریت کارآمد است. از این رو، تشکیل پلیس قضایی از جمله مواردی خواهد بود که به دلیل تمرکز بر یکی از مهم‌ترین وظایف قوه قضائیه، منجر به استقرار یک نظام قضایی سریع، دقیق و کارآمد خواهد شد. موضوع تشکیل پلیس قضایی دارای آنچنان اهمیتی بوده است که در قانون برنامه پنجم به صراحت در ماده ۲۱۱ آن، قوه قضائیه را مکلف به تهیه لایحه در خصوص ایجاد پلیس قضایی نموده است. بنابراین، هیچ تردیدی در خصوص الزام قانونی تشکیل پلیس قضایی وجود ندارد.

نظر به لایحه تشکیل پلیس قضایی، انتظار این است که با تصویب آن نیرویی واحد، منسجم، آموزش دیده، متخصص و تحت اقتدار قضایی به امر کشف جرم و سایر مسائل آن بپردازد. وانگهی، در لایحه تشکیل پلیس قضایی که در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس

مطرح شده است، پلیس قضایی سازمانی است که در قوه قضائیه تشکیل^{۲۳} و رئیس آن توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.^{۲۴} اما باید توجه داشت که تشکیل پلیس قضایی در قوه قضائیه و تحت اشراف آن که برخلاف وزارت کشور، تحت هیچ ساز و کار پاسخ‌گویی در برابر ملت قرار ندارد، درست به نظر نمی‌رسد، زیرا تشکیل پلیس قضایی در قوه مجریه به لحاظ ساز و کارهای پاسخ‌گویی ناظر به این قوه در راستای تأمین حقوق ملت بی‌گمان مناسب‌تر است. همچنین، در این لایحه، در خصوص وظایف نیروهای پلیس قضایی به مقررات مربوط به ضابطان دادگستری در ق.آ.د.ک ارجاع داده شده است. اما ایرادی که می‌توان بر آن وارد کرد این است که از حیث اعمال نظارت و کنترل قضایی بر نیروهای پلیس قضایی، ساز و کاری بایسته و شایسته پیش‌بینی نشده است. از این جهت، در لایحه تنها به این موضوع اشاره شده است که وظایف، اختیارات و مسؤلیت‌های نیروهای پلیس قضایی همان است که در ق.آ.د.ک و قوانین دیگر برای ضابطان عام مقرر گردیده است.^{۲۵} این در حالی است که در کشور فرانسه در راستای اعمال هرچه بهتر نظارت و کنترل قضایی حتی امکان سلب صلاحیت دائم یا موقت از افسران پلیس قضایی وجود دارد.^{۲۶} بنابراین از آنجایی که مسئله کشف جرم می‌تواند در تقابل با حقوق شهروندان قرار گرفته و ناقض آن باشد، می‌بایست نظارت و کنترل سخت‌گیرانه‌ای نسبت به مأمورانی که در این حوزه دارای اختیارات و وظایف هستند، به انجام رسد و این همان نکته‌ای است که افزون بر کارآمدگی و تخصص‌گرایی این نیروها باید مورد توجه قرار گیرد.

اکنون با توجه به ماده ۳۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و آیین‌نامه‌ای^{۲۷} که به موجب تبصره ۲ همین ماده به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است گام‌های مناسبی برای تحقق معیارهای مورد اشاره به منظور تشکیل پلیس قضایی برداشته شده است. همان‌گونه که در تعریف آمد، تخصص و تحت اقتدار قضایی بودن معیارهای اصلی تشکیل پلیس قضایی است. به نظر می‌رسد اگرچه ماده ۳۰ ق.آ.د.ک تنها بر لزوم گذراندن دوره‌های آموزشی و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری تأکید می‌کند، مقررات آیین‌نامه اجرایی این ماده مواردی را

۲۳. ماده ۱ لایحه تشکیل پلیس قضایی.

۲۴. تبصره ۱ ماده ۱ لایحه تشکیل پلیس قضایی.

۲۵. ماده ۵ لایحه تشکیل پلیس قضایی.

26. Art. 227 code procédure pénale.

۲۷. این آیین‌نامه در تاریخ ۳۱ شهریور ماه ۱۳۹۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

پیش‌بینی نموده است که روی هم‌رفته تأمین‌کننده معیارهای مورد اشاره است. از جنبه‌های مهم این آیین‌نامه موضوع آموزش و همچنین افزایش اقتدار دادستان نسبت به پلیس قضایی است. در خصوص مورد نخست ماده ۵ آیین‌نامه به موارد زیر اشاره می‌کند:

- ارتقای دانش حقوقی؛
- توانمندسازی و افزایش مهارت شغلی؛
- کمک به افزایش سطح کیفی مرحله کشف جرم در نظام دادرسی کیفری؛
- کمک به سرعت و دقت در رسیدگی‌های کیفری؛
- آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص؛
- شناخت موضوعات مهم و اساسی حقوق کیفری ماهوی؛
- شناخت موضوعات مربوط به صلاحیت و تشکیلات سازمان‌های کیفری؛
- توانایی تشخیص نحو تفکیک جرایم مشهود از غیرمشهود؛
- توانایی تشخیص مسؤولیت‌های کیفری و مدنی ناشی از اعمال زیان‌باز ضابطان؛
- توانایی و شناخت لازم جهت همکاری و تعاون با سایر مراجع قضایی در امور کیفری؛
- شناخت ادله اثباتی جرم و آثار آن.

پس احراز عنوان پلیس قضایی به عنوان نیرویی که در خصوص کشف جرم، جست‌وجوی مرتکب و ... دارای وظایف و اختیاراتی است، منوط به گذراندن دوره‌های آموزشی است. در این راستا، به موجب ماده ۱۲ آیین‌نامه، صدور کارت ویژه ضابط دادگستری منوط به دریافت گواهینامه گذراندن دوره آموزشی و تأیید دادستان شده است. از این رو، انتظار می‌رود با کاربست این فرایند، ضمن سرعت بخشیدن و بهبود فرایند دادرسی، به کرامت انسانی اشخاص به عنوان موردی که همواره محل بحث بوده است، احترام گذاشته شود. به راستی، انتظار می‌رود کمینه آثار چنین آموزش‌هایی این باشد که پلیس قضایی، مظنون و یا متهم به ارتکاب جرم را مجرم خطاب نکند.

افزون بر آن، به نظر می‌رسد اقتدار قضایی بیشتری توسط دادستان نسبت به آنها پیش‌بینی شده است زیرا از یک سو به موجب ماده ۱۲ آیین‌نامه، صدور کارت ویژه ضابط دادگستری، علاوه بر لزوم دریافت گواهینامه گذراندن دوره آموزشی، نیازمند تأیید دادستان هم است. همچنین، به موجب ماده ۱۵ همان آیین‌نامه «چنانچه ضابطانی که برای آنان کارت

ویژه ضابط دادگستری صادر گردیده [است]، فاقد شرایط قانونی گردند، به تشخیص دادستان و پس از تأیید رئیس کل دادگستری استان نسبت به ابطال کارت آنان اقدام خواهد شد». در نتیجه، از یک سو نه تنها گذراندن دوره‌های آموزشی و تأیید دادستان شرط لازم برای احراز عنوان پلیس قضایی است، بلکه امکان سلب صلاحیت از آن به تشخیص دادستان و با تأیید رئیس دادگستری استان، وجود دارد. به نظر می‌رسد چنین مقرراتی تأمین‌کننده اقتدار قضایی بر پلیس قضایی بوده و به یک بیان، پلیس قضایی تلقی شدن و باقی ماندن تحت این عنوان، تحت اقتدار و کنترل قضایی است.

در قسمتی از این نوشتار اشاره شد که ماده ۳۰ ق.آ.د.ک، بر آموزش ضابطان دادگستری تأکید دارد و به معنی تشکیل پلیس قضایی نیست. اما اکنون، با توضیح مقررات آیین‌نامه این ماده، این پرسش در میان گذاشته می‌شود که آیا ماده ۳۰ ق.آ.د.ک و آیین‌نامه اجرایی آن می‌تواند تأمین‌کننده مقصود ما از پلیس قضایی باشد؟

در پاسخ باید گفت که بنیاد نیازمندی به برپایی پلیس قضایی بر سرعت، دقت و تخصص در رسیدگی، رعایت کرامت انسانی افراد و حقوق شهروندان و نیز تحت اقتدار قضایی بودن استوار شده است. از این رو، اگر مقررات پیش‌گفته تأمین‌کننده این معیارها باشند، چه بسا بتوان گفت سرانجام پلیس قضایی، لباس وجود بر تن کرده باشد. به راستی، اگر به تعریف پلیس قضایی بازگردیم، به یاد خواهیم آورد که پلیس قضایی نیرویی است آموزش‌دیده و کارآزموده که وظیفه آن تنها معطوف است به کشف جرم، جست‌وجوی مرتکب و جمع‌آوری ادله که تحت اقتدار مقام قضایی عمل می‌کند. بنابراین، با توجه به اینکه به موجب مقررات ماده ۳۰ و آیین‌نامه اجرایی آن، افزون بر تأکید بر آموزش، اقتدار قضایی بیشتری فراهم شده است و تنها نیروهایی به عنوان پلیس قضایی شناخته خواهند شد که با گذراندن دوره آموزشی و تأیید دادستان به امر کشف جرم و ... خواهند پرداخت، گویی معیارهای پلیس قضایی محقق شده است. اما لایحه تشکیل پلیس قضایی تنها به تشکیل این نهاد در قوه قضائیه، انتصاب رئیس آن توسط رئیس قوه قضائیه و ارجاع وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های پلیس قضایی به مقررات آیین دادرسی کیفری اشاره نموده و ساز و کار چشمگیر دیگری را در این باره پیش‌بینی ننموده است که به واسطه آن بگوییم دگرگونی شگرفی در خصوص موضوع در میان گذاشته شده رخ داده است. این در حالی است که ماده ۳۰ ق.آ.د.ک و به ویژه آیین‌نامه اجرایی آن گام‌های برجسته‌تری را برداشته‌اند. وانگهی، اگر مقصود آن لایحه، تشکیل پلیس قضایی به عنوان سازمانی جداگانه ضمن رعایت مقررات ق.آ.د.ک به مثابه معیارهای بایسته

پلیس قضایی است، باید گفت گرچه تشکیل سازمانی جداگانه به جهت تقسیم کار تخصصی مناسب است اما تشکیل چنین سازمانی در خود قوه قضائیه و تحت اشراف آن محل اشکال است، زیرا چنین امری به لحاظ امر تفکیک قوا و نبود ساز و کارهای پاسخ‌گویی در قوه قضائیه درست به نظر نمی‌رسد و بهتر آن است که چنین سازمانی در قوه مجریه و تحت اشراف آن برپا شود.

۲-۳- مبانی مخالفان تشکیل پلیس قضایی

در مخالفت با تشکیل پلیس قضایی استدلال‌هایی مطرح شده است که در مخالفت با تصویب لایحه پلیس قضایی در مجلس شورای اسلامی نیز مطرح گردید.^{۲۸} پاسخ به این ایرادها، خود، می‌تواند به گونه‌ای دیگر توجیه‌کننده تشکیل پلیس قضایی به شمار رود.

یکی از دلایلی که مخالفان تشکیل نهاد پلیس قضایی به آن استناد کرده‌اند این است که با تشکیل چنین نهادی سایر نیروها از جمله نیروهای سپاه پاسداران و بسیج به حاشیه کشانده خواهند شد و قوه قضائیه از خدمات آنها محروم خواهد شد. در رد این استدلال مخالفان می‌توان گفت آنچه اهمیت دارد کشف جرم و جست‌وجوی مرتکب و یافتن او و ... به دست نیروهایی کارآزموده و متخصص در این زمینه است، به این معنی که به طور اساسی آنچه پلیس قضایی انجام خواهد داد ناظر به انجام عملکردی تخصصی به طور دقیق و درست ضمن رعایت حقوق افراد است. به بیان دیگر نیروهایی که هم‌اکنون در مورد امور پیش‌گفته مسؤولیت دارند، با تشکیل پلیس قضایی، آن امور به نهاد اخیر به عنوان نهاد تخصصی امر واگذار می‌شود. نکته اساسی در اینجا انجام آن عملکردهای قضایی به وسیله نیروی متخصص است. افزون بر آن، به دلیل آنکه تمام نیروهای پلیس قضایی در نهادی مشخص تحت نظارت و اقتدار قضایی قرار می‌گیرند، حقوق و آزادی‌های ملت به گونه بهتری پشتیبانی می‌گردد. با این توضیح این پرسش را می‌توان بیان نمود که اساساً توسل به این استدلال که تشکیل پلیس قضایی منجر به حاشیه راندن سایر نیروها می‌شود مبتنی بر چه مبنایی است و اساساً این به حاشیه رانده شدن به چه معنا است؟ در واقع اگر قاعده در انجام امور، شایستگی و صلاحیت باشد، بایستگی تشکیل پلیس قضایی و در پی آن به حاشیه راندن سایر نیروها توجیه می‌شود؛ زیرا اساساً مسئله جرم و مواجهه با مسائل پیرامونی آن از جمله مسائل

۲۸. «مرکز پژوهش‌های مجلس»، مجلس شورای اسلامی، ۳ آذر ۱۳۹۴،

تخصصی است و همین امر تبیین‌کننده استدلال منطقی اخیر است. افزون بر آن، می‌توان در رد این استدلال مخالفان، یک توجیه حقوقی نیز مطرح نمود؛ به موجب قانون اساسی وظیفه کشف جرم از جمله وظایف ذاتی قوه قضائیه است، پس باید ابزار لازم آن را به نحو مناسب در اختیار داشته باشد؛ اگرچه این بدین معنا نیست که به طور بایسته نهاد پلیس قضایی در خود قوه قضائیه تشکیل شود بلکه مقصود همان معیار تحت اقتدار قضایی بودن در راستای پاسداری و تأمین هرچه بهتر حقوق ملت است. در نتیجه، از یک سو اگر معیار تشکیل پلیس قضایی، رسیدگی تخصصی به مسئله کشف جرم باشد، به حاشیه راندن نیروهای غیرمتخصص، خود، امری منطقی است. از سوی دیگر، تشکیل پلیس قضایی در راستای وظایف قوه قضائیه و در جهت پاسداری هرچه بهتر از حقوق افراد ملت است، پس به حاشیه رانده شدن سایر نیروها خود امری منطقی بوده و نمی‌توان آن را به عنوان استدلالی در رد تشکیل پلیس قضایی به میان آورد؛ چه نیروهای جایگزین یعنی پلیس قضایی در نهاد یا سازمانی مشخص با رویکردی تخصصی و تحت نظارت و اقتدار قضایی به طور درست و مناسب به امر کشف جرم و مسائل پیرامونی آن خواهند پرداخت.

از دیگر دلایل مطرح‌شده در مخالفت با تشکیل پلیس قضایی، مغایرت این امر با لزوم عدم توسعه تشکیلات اداری و کم‌حجم شدن آن است. این استدلال در برابر لزوم انجام وظیفه قوه قضائیه در راستای کشف جرم به پشتوانه قانون اساسی و لزوم استقرار نظام قضایی سریع و دقیق^{۲۹}، فاقد مبنای منطقی است. در واقع، تشکیل پلیس قضایی در راستای انجام یکی از وظایف قوه قضائیه به موجب قانون اساسی است و نمی‌توان در برابر آماده‌سازی انجام این وظیفه چنین استدلالی را مطرح نمود. در نتیجه، تشکیل پلیس قضایی مطابق قانون اساسی^{۳۰} و سایر قوانین^{۳۱} و در راستای انجام وظایف قوه قضائیه است. از این رو، تشکیل پلیس قضایی مغایرت قانونی با موضوع لزوم عدم توسعه تشکیلات اداری ندارد. اما از دیگر دلایل مخالفان این است که:

«در ایران با عنایت به قانون تأسیس نیروی انتظامی، پلیس جزئی از قوه مجریه است و سکان اداره آن طبق قانون اساسی و قانون پیش‌گفته در دست مقام رهبری است. با وجود این، به دلیل اختیارات تفویضی مقام رهبری به قوه مجریه (وزارت کشور) وزیر کشور مسؤول

۲۹. شماره ۱ از بند ز ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا.

۳۰. بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی.

۳۱. ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم و ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه.

بخشی از وظایف و اختیارات (عملکرد) نیروی انتظامی تلقی گردیده، لذا امکان اخذ پاسخ در فرایندهای قانونی (سؤال، تذکر، استیضاح) فراهم است. فراروی آن، کیفیت ساختار و جایگاه قوه قضائیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی چنان است که امکان اخذ پاسخ از قوه قضائیه به نحو مؤثری که موجبات الزام به پاسخ‌گویی و پذیرش تبعات آن باشد وجود ندارد. بر این اساس، قوه قضائیه در مقابل همین مقدار وظایف و اختیاراتی که داراست قابل استنتاج و ملزم به پاسخ‌گویی نیست. در نتیجه، احاله و تفویض اختیار تأسیس پلیس قضایی به قوه قضائیه اگرچه می‌تواند موجبات اجرای بهتر و سریع‌تر اوامر و نواهی قضایی را فراهم آورد، اما در عمل تفویض قدرت به مرجعی است که در مقابل اختیارات و اقتدار مکتسبه، قابل پرسش و مسؤول نیست. در واقع، پلیس به ویژه در امور قضایی با جان، مال، امنیت، آزادی شهروندان ارتباط دارد و ضروری است که دارای جایگاهی معین در ساختاری پاسخ‌گو قرار گیرد و به انجام وظیفه پردازد.^{۳۲}

در پاسخ می‌توان گفت معیار اصلی پاسخ‌گویی امکان سؤال، تذکر و استیضاح توسط مجلس نیست، بلکه معیار اصلی پاسخ‌گویی، قانون است. قانون با تعیین رفتارهای ناقض ارزش‌های فردی و اجتماعی، برای آنها ضمانت اجرا برنهادده است. از این رو، تعدی به آزادی افراد، هتک حریم خصوصی، تعدی به تمامیت جسمانی و معنوی آنها و ... در قانون دارای ضمانت اجرا بوده و هرکس مرتکب چنین اعمالی شود، در برابر قانون مسؤول و پاسخ‌گو خواهد بود. با وجود این، این استدلال مخالفان درست است، زیرا بود ساز و کارهای پاسخ‌گویی تضمین بهتری برای صیانت و پشتیبانی از حقوق ملت است که به روشنی این ساز و کارها در مورد قوه قضائیه موجود نیست. وانگهی، این دلیل مخالفان را باید در جهت مخالفت با تشکیل پلیس قضایی در قوه قضائیه لحاظ نمود؛ نه در جهت مخالفت با تشکیل پلیس قضایی به خودی خود.

دلیل دیگر مخالفان این است که اساساً پلیس قضایی همان تکالیف مقرر برای ضابطین دادگستری مقرر در ق.آ.د.ک را انجام خواهد داد، از این رو، چه دلیلی برای تشکیل سازمان پلیس قضایی وجود دارد؟

پاسخ این است که تشکیل سازمان پلیس قضایی به معنای فراهم آوردن امکان انجام وظیفه مهم کشف جرم و سایر مسائل پیرامونی آن به نحو مناسب‌تر و درست‌تر به لحاظ

۳۲. «مرکز پژوهش‌های مجلس»، مجلس شورای اسلامی، ۳ آذر ۱۳۹۴،
rc.majlis.ir/m/report/download/734852

تقسیم کار تخصصی است. با تشکیل پلیس قضایی به معنای تحقق معیارهای مورد نظر در تعریف ارائه شده یعنی کارآزمودگی و تحت اقتدار قضایی بودن ضمن تشکیل یک سازمان مشخص، فرض این است که امور محوله به نحو مناسب‌تری انجام می‌یابد که برآیند مهم آن عملکرد دقیق‌تر، بهتر و تأمین هرچه بهتر حقوق شهروندان است.^{۳۳} در این راستا، باید به این نکته اشاره نمود که قانون برنامه پنجم توسعه بر ایجاد پلیس قضایی تکلیف نموده و چنین عبارتی - یعنی ایجاد پلیس قضایی - ظهور در تأسیس یک سازمان دارد و لایحه تشکیل پلیس قضایی نیز در پی آن است. از این رو، تشکیل سازمان پلیس قضایی که نیروهای آن دارای تخصص بوده و تحت اقتدار و نظارت قضایی هستند، مدنظر است. وانگهی، باید به این نکته اساسی توجه داشت آنچنان که در لایحه تشکیل پلیس قضایی پیش‌بینی شده تأسیس سازمان پلیس قضایی در قوه قضائیه و تحت اشراف آن که تحت هیچ ساز و کار پاسخ‌گویی نیست، به لحاظ تفکیک قوا و کارکرد آنها و نبود ساز و کار پاسخ‌گویی در مورد قوه قضائیه جهت تأمین هرچه بهتر حقوق ملت، درست و پذیرفتنی نیست؛ از این رو، نیروهای پلیس قضایی به عنوان نیروهای مجری قانون هم به لحاظ امر تفکیک قوه و هم به لحاظ بود ساز و کارهای پاسخ‌گویی باید در قوه مجریه باشند.

نتیجه

پلیس قضایی به عنوان نیرویی کارآزموده و آشنا به اصول و مبانی حقوق کیفری به منظور کشف جرم، جست‌وجوی مرتکب، جمع‌آوری ادله و ... برای انجام وظیفه قوه قضائیه ناظر به کشف جرم، ابزاری لازم و ضروری به شمار می‌رود. بر این اساس، لزوم پی‌گیری جرایم توسط نیرویی آموزش‌دیده و کارآزموده به منظور عملکرد هرچه بهتر در این زمینه و همچنین رعایت کرامت انسانی افراد و حفظ حقوق شهروندان از جمله مبانی توجیه‌کننده تشکیل پلیس قضایی است.

آنچه از برپایی پلیس قضایی مقصود است بر پایه یک مفهوم غایت‌مدارانه استوار است.

۳۳. بخشنامه شماره ۲۳۳/۴۷۳۹۰ مورخ ۱۳۷۶/۹/۱۰ فرمانده نیروی انتظامی در خصوص جلوگیری از بازدید مقامات قضایی از یگان‌ها و پاسگاه‌های نیروی انتظامی، از جمله مواردی است که شائبه نقض حقوق افراد را افزایش می‌دهد. البته این بخشنامه به موجب رأی دیوان عدالت اداری ابطال گردید؛ در: علی خالقی، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰)، ۶۰. انتظار می‌رود با اجرای مقررات قانون آیین دادرسی کیفری از جمله ماده ۳۳ نظارت بر ضابطان قضایی در وضعیت بسیار مناسب‌تری قرار گیرد.

مقصود از پلیس قضایی نیرویی است کارآزموده و متخصص که تحت اقتدار مقام قضایی بوده و در راستای وظیفه قوه قضائیه ناظر به کشف جرم، فعالیت می‌کند. از این رو، منظور از تشکیل پلیس قضایی و تفکیک آن از سایر نیروهای پلیس، نهادی نیست بلکه غایی است. غایت اینکه پلیس قضایی با پیش‌بینی ساز و کارهایی مبنی بر آموزش و منوط نمودن احراز عنوان پلیس قضایی بر گذراندن دوره‌های آموزشی و تأیید توسط مقام قضایی و همچنین تأمین هرچه بهتر اقتدار قضایی به واسطه امکان سلب صلاحیت قضایی از نیروهای پلیس قضایی، در صورت فقدان شرایط قانونی مقرر، به معنای تحقق مفهوم پلیس قضایی است. پس، تحقق پلیس قضایی منوط به این نیست که تشکیل و برپایی آن در نهاد قوه قضائیه و تحت اشراف آن باشد.

باری، آنچه در وضع کنونی درخور نگرش است، مقررات آیین دادرسی کیفری، به ویژه ماده ۳۰ آن است. پیرو تصویب آیین‌نامه ماده پیش‌گفته، گام‌های بسیار مناسبی درباره پلیس قضایی برداشته شده است. زیرا از یک سو ماده ۳۰ قانون پیش‌گفته بر آموزش پلیس قضایی پای فشرده و در برابر آن ضمانت اجرای سختی را پیش‌بینی نموده است که دربرگیرنده ممنوعیت تحقیقات و اقدامات از سوی اشخاصی است که کارت ویژه پلیس قضایی را دریافت ننموده‌اند و حتی در صورت انجام تحقیق و اقدام، از نظر قانونی بدون اعتبار انگاشته شده است. افزون بر آن، ارجاع امر از سوی مقام قضایی به اشخاصی که حسب قانون، ضابط به شمار نمی‌روند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار خواهد شد. مقرر پیش‌گفته و ضمانت اجرا مربوط تأمین‌کننده معیار تخصص و کارآزمودگی پلیس قضایی است. از سوی دیگر، به موجب آیین‌نامه همین ماده، بر بایستگی تأیید دادستان درباره کارت ویژه اشاره شده است و در فرضی که نیروهای پلیس قضایی فاقد شرایط قانونی شوند، امکان ابطال این کارت بنابر تشخیص دادستان و تأیید رئیس کل دادگستری استان فراهم شده است. امر پیش‌گفته تأمین‌کننده معیار تحت اقتدار مقام قضایی بودن است که منجر به تأمین هرچه بهتر حقوق شهروندان می‌شود.

روی‌هم‌رفته، آنچه به نظر می‌رسد این است که مقررات پیش‌گفته، افزون بر پای فشردن بر بایستگی آموزش پلیس قضایی، ساز و کاری را پیش‌بینی نموده است که به واسطه آن امکان گونه‌ای از دادن و برگرفتن صلاحیت اقدام به عنوان پلیس قضایی توسط مقام قضایی فراهم گشته است. از این رو، آنچه از پلیس قضایی مورد نظر بود - یعنی افزایش کارآزمودگی و همچنین تحت اقتدار قضایی بودن - تا میزان چشمگیری به انجام رسیده است. فرجام

سخن اینکه به نظر نگارندگان از آنجایی که انجام وظایف و اختیارات ناظر به کشف جرم و سایر مسائل پیرامونی آن توسط یک نیروی کارآموده و تحت اقتدار قضایی معیار و سنجه اصلی برای احراز عنوان پلیس قضایی است، آنچه در لایحه تشکیل پلیس قضایی مد نظر قرار گرفته، به ویژه تشکیل پلیس قضایی به عنوان سازمانی جداگانه در قوه قضائیه و تحت اشراف آن، به لحاظ امر تفکیک قوا و همچنین نبود ساز و کارهای پاسخ‌گویی قوه قضائیه در برابر ملت، درست و پذیرفتنی نیست. به نظر می‌رسد، به لحاظ معیارهای مربوط به تشکیل پلیس قضایی، مقررات قانون آیین دادرسی کیفری نو امری است که زین پس باید بر انجام آن همت گماشت، گرچه تفکیک سازمانی نیروهای پلیس قضایی از سایر نیروهای پلیس هم امری بایسته به نظر می‌رسد. به بیان دیگر، اگر مقصود لایحه تشکیل پلیس قضایی تشکیل سازمان پلیس قضایی ضمن رعایت مقررات ق.آ.د.ک به مثابه معیارهای بایسته پلیس قضایی بوده است، باید گفت تشکیل چنین سازمانی به لحاظ تقسیم کار تخصصی مناسب است اما برپایی چنین سازمانی در قوه قضائیه و تحت اشراف آن بنا به دلایل پیش‌گفته پذیرفتنی نیست.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آخوندی، محمود. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ دوازدهم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۹.
- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. تهران: سمت، ۱۳۸۴.
- استفانی، گاستون، ژرژ لوسور و برنار بولوک. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. ترجمه حسن دادبان. تهران: انتشارات علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
- بوریکان، ژان، آن ماری سیمون. *آیین دادرسی کیفری*. ترجمه عباس تدین. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. چاپ بیست و پنجم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. چاپ یازدهم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.

ب. منابع فرانسوی و انگلیسی

- Franchimont, Michel, Ann Jacobs and Adrien Masset. *Manuel de procédure pénale*. 3^e édition. Bruxelles: éditions Larcier, 2008.
- Gilliéron, Gwladys. *Public Prosecutors in the United States and Europe*. Switzerland: Springer, 2013.
- Mathias, Éric. *Procédure pénale*. 3^e édition. paris: Bréal édition, 2007.
- Pradel, Jean. *procédure pénale*. 14^e édition. paris: éditions cujas, 2008.
- Vermeulen, Gert. *Availability of Law Enforcement Information in the European Union*. Belgium: Maklu publishers, 2005.

پ. TARNAHA

- مجلس شورای اسلامی. «مرکز پژوهش‌های مجلس». ۳ آذر ۱۳۹۴.
<http://www.majlis.ir/m/report/download/734852>
- شبکه مترجمین ایران. «واژه‌یاب». ۲۹ آبان ۱۳۹۴. <http://www.vajehyab.com>

Background and Basis of the Constitution of the Judicial Police in Iran's Legal System

Dr. Hasanali Moazzenzadegan

Associate Professor at Faculty of Law and Political Sciences of Allameh Tabataba'i University

Email: moazzenzadegan@gmail.com

&

Mohammad Faraji

Doctorate Student at Faculty of Law and Political Sciences of Allameh Tabataba'i University

Email: mohammad.faraji.m.f@gmail.com

The importance of crime detection and police investigation, on the one hand, derives from the necessity of protecting individual right and on the other hand, from the effective function of the police in order to protect social security. In spite of the specialized police division in some country, it has not been followed by criminal procedure law of Iran. After all, new enacted criminal procedure law, particularly article 30, somehow meets its criteria. In terms of establishing judicial police, regarding some certain criteria necessary for it, is intended. The fifth economic, social and cultural development program law of Islamic Republic of Iran provided its establishment; the judicial police establishment bill sent to parliament by judicial branch but the bill consider judicial police under the supervision of judicial branch and does not refer to the criteria. The criteria necessary for establishing judicial police, which are being specialized and under authorization of judicial authorities with organizationally establishing in the executive branch, would be discussed precisely in this article.

Keywords: Judicial Police, Administrative Police, Special Permit of Judicial Police, Organization of Judicial Police, Executive Branch.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. IV, No. 2

2016-2

- **International Responsibility Arising from the Breach of the Obligation to Extradite or Prosecute in the light of the International Court of Justice in the case of Belgium against Senegal**
Dr. Mohammad Hossein Ramazani Ghavamabadi
- **Background and Basis of the Constitution of the Judicial Police in Iran's Legal System**
Dr. Hasanali Moazzenzadegan & Mohammad Faraji
- **The Process and Opposed to Detention Warrant in Iran with an Emphasis on the French Legal System**
Dr. Gholam Hassan Kooshki
- **Terrorism: A Social-Moral Syndrome or a Political Means**
Dr. Nasrin Mehra & Dr. Nourooz Kargari
- **Anticompetitive Procedures Crime or Offence? (Explanation of a New Approach in Criminal System of Iran)**
Dr. Seyed Hossein Hosseini & Zahra Ahmadi
- **Overlap in Crime behavior (Case Study: Computer False Publishing and Computer related Defamation)**
Dr. Hasan Aalipour & Elham Khorasani



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study